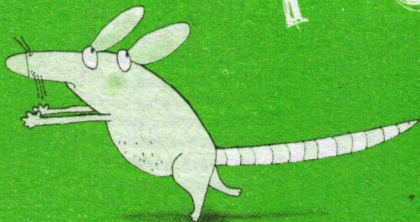


بیلی قشقرق



یک

فاجعه‌ی تمام‌عیار



نویسنده: جوآنا نادین
تصویرگر: جس میخائیل
مترجم: مونا توحیدی

موش توی آکواریوم شیشه‌ای که قبلاً جای ملخ‌ها بود، پیدا شد (این ماجرای ملخ‌ها هم برای خودش داستانی دارد).

خانم پترسون گفت برای انتخاب اسم موشه قرعه‌کشی می‌کنیم. همه باید یک اسم روی کاغذ می‌نوشتند و داخل یک قوطی رنگ خالی می‌انداختند. آخر سر هم خانم پترسون یکی از آن کاغذها را بیرون می‌کشید و اسم موشه انتخاب می‌شد. خانم پترسون تأکید کرد حتماً یک اسم پسرانه روی کاغذ بنویسیم، چون با یک موش کوچولوی پسر طرف بودیم و گفت جداً از نوشتن اسم‌هایی مثل پرنسس و این جور اسم‌ها خودداری کنیم.

من اسم «ایکابد»^۱ را نوشتم (همان اسمی که بابایم می‌خواست موقع تولدم رویم بگذارد، اما مامانم نگذاشت، چون می‌گفت هم خیلی



۱. یکی از شخصیت‌های انجیل، کتاب مقدس مسیحیان

عجیب و غریب است و هم پسرانه). کاسمو هم اسم «شعله» را توی قوطی انداخت.

خانم پترسون هیچ‌کدام از این اسم‌ها را بیرون نکشید. قرعه به نام **رونی** افتاد. هنری پاتس این اسم را پیشنهاد کرده بود. کاسمو حساسی عصبانی شد، چون این هنری پاتس دشمن خونی کاسمو بود، برای همین کاسمو یک پاک‌کن پرت کرد به هنری، هنری هم برای تلافی یک جامدادی فلزی پرت کرد بهش. جامدادیه به جای اینکه بخورد به کاسمو، صاف خورد به آکواریوم رونی. رونی جیغ کشید و بعدش هم کاسمو و هنری، هر دو به دفتر آقای شومان احضار شدند.



آن‌ها هم ساکت شدند و به این نتیجه رسیدند که الان آقای شومان دشمنِ خونیِ مشترکشان است، پس می‌توانند حداقل تا یک ساعت و خرده‌ای دست از دشمنی با هم بردارند و به هم پاک‌کن پرت نکنند.



خانم پترسون برای اینکه مشخص کند چه کسی قرار است هفته‌ی اول از رونی نگهداری کند، دوباره قرعه‌کشی راه انداخت. از همه‌مان به غیر از کاسمو و هنری پاتس خواست این بار اسم خودمان را روی کاغذ بنویسیم و بیندازیم داخل قوطی تا او یکی را بیرون بکشد. باورم نمی‌شد! قرعه به نام من افتاد، یعنی پلپوه جونز!



آقای شومان گفت آن دو تا به خوبی نشان داده‌اند که صلاحیت نگهداری از رونی را ندارند و گفت تنبیه‌شان این است: تا زمانی که کمی مسئولیت‌پذیری یاد بگیرند نمی‌توانند از رونی نگهداری کنند.

کاسمو گفت: «مگر قرار نبود رونی مسئولیت‌پذیری رو بهمون یاد بده؟ حالا با این تنبیه چطور مسئولیت‌پذیری یاد بگیریم؟» هنری پاتس هم با اینکه دشمنِ خونیِ کاسمو

است، این بار با حرفش موافق بود و حتی این را هم گفت که آقای شومان زیاد بردبار نیست! اما آقای شومان حرف‌هایشان را قبول نداشت و گفت اگر ساکت نشوند،

تا ابد بی‌صلاحیت باقی خواهند ماند.